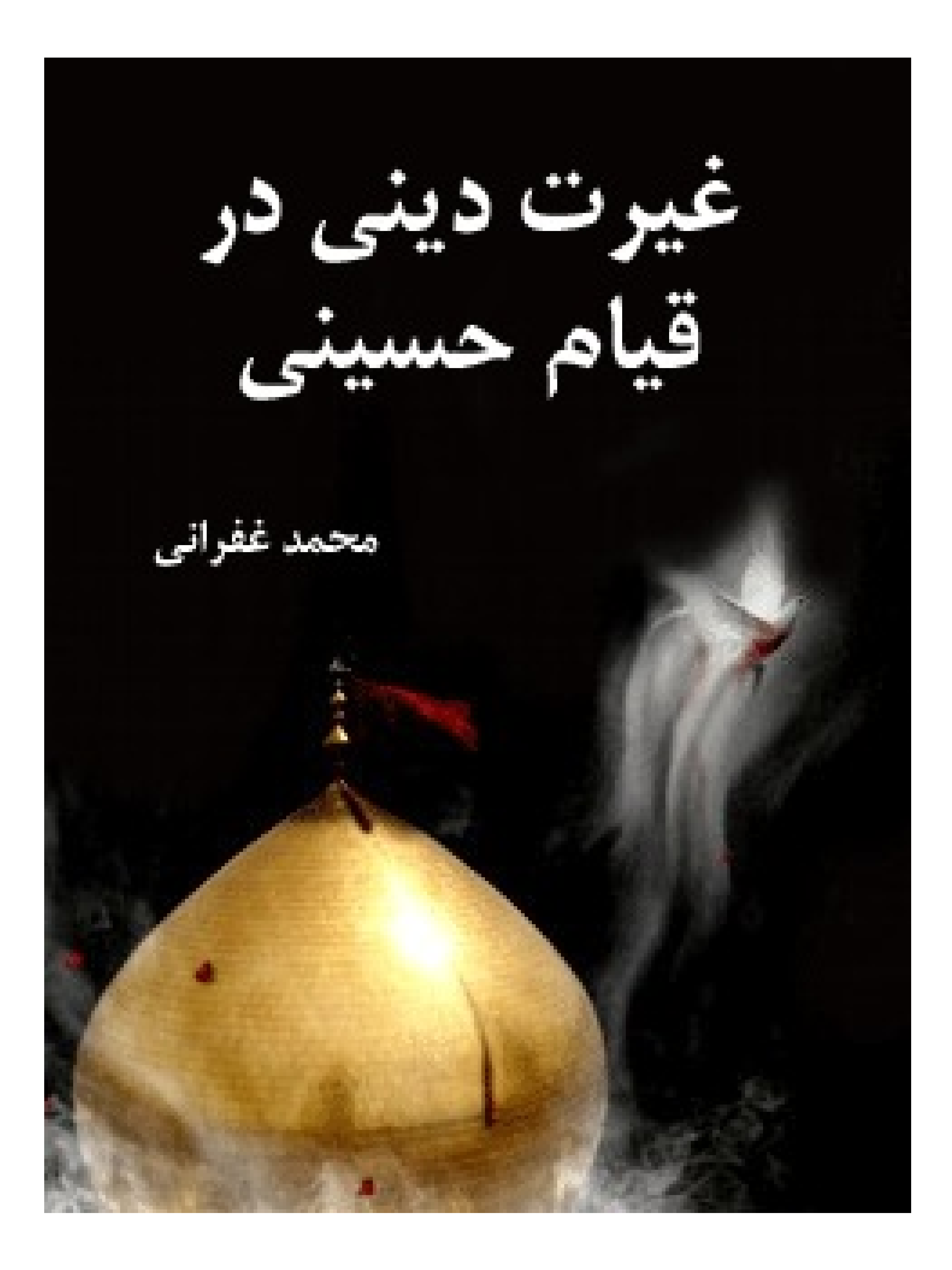

غیرت دینی در
قیام حسینی
محمد غفرانی


بسم الله الرحمن الرحیم

غیرت دینی در قیام حسینی

نویسنده:

محمد غفرانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

غیرت دینی در قیام حسینی

مشخصات کتاب

عنوان : غیرت دینی در قیام حسینی(ع)

پدیدآورندگان : محمد غفرانی(پدیدآور)

ناشر : محمد غفرانی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

توصیفگر : قیام عاشورا

غیرت در دین

مقدمه

قلم زدن در رثای شخصیتی که عبرت آموزترین حادثه را در زندگی بشر به یادگارگذاشت و کسی که ملقب به «ثارالله» شد؛ نه مشکل؛ که عرض بردن قلم است. تفسیرحماسه او به تعداد درک ها و معرفت ها توسعه یافته و می یابد. حرف نهایی را هنوز تا به حال کسی نگفته است.هر چه قرن ها بر هم افزوده می شود؛ انگشت حیرت بر دهن ها ماندنی تر می شود.که بود؟ چه کرد؟ که هر چه غیرت و حمیت است در او عیان و یک جا جمع است.اگر نبود صحنه پر ماجرای کربلا، چگونه بشر می توانست یاد بگیرد که دفاع از دین و شرف و ناموس باید بدین سان شفاف باشد و تا به این حد برسد؟اگر نبود افتادن و به پا شدن«حبل الله» در عصر عاشورا، به خاطر حراست از خیام زنان و فرزندان ما واژه غیرت را چگونه می آموختیم؟اگر نبود آن گریبان های دریده، لبان خشکیده و جان های بلا رسیده، چگونه می فهمیدم که «یعسوب الدین» چه ها برای پایداری از دین کشیده است؟اگر نبود فریادهای حماسی او، چگونه می توانستیم در این برهه فریاد برآریم که غیرت دینی کجا رفته است؟اگر به دستور امام، آب را نه به انسان نماها که به اسبان زبان بسته و به زور به جبهه آمده نمی داند، چگونه باورمان می آمد: امام؛ یعنی واسطه فیض. و این واسطه با تمام مرارت ها باید در بحرانی ترین دقایق، تصمیماتی بگیرد که مدال شرف بدان سنجیده شود.اگر نبود اغماض او از مطامع دنیا در مقابل کسب حریت، آن جا که فرمود:«مثلی

لایبـایع مثله» چگونه می آموختیم که در برابر چراغ های سبز و سـرخ می توان چهره برافروخت و فریاد زد:«آمریکا هیـچ غلطی نمی توانـد بکند».آیا امروز همان روز نیست که او با جان، مال و فرزندان برای کسب غیرت دینی ایسـتاد و سـنگ ها و نیزه ها را تحمل کرد، اما نگذاشت سـنتی زشت در اسـلام بماند تا این که دین کم کم رخت بر بندد و تا آن جا پیش رود که نامردی شعر بسـراید:لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل به هر حال زحمات خاندان عاشورا به پهنای گیتی است و در یک کلاـم نبوی:...و أنـا من حسـین.یعنی جاودانگی نام رسول الله (ص) به زحمات و فـداکاری های حسـین (ع) است.ابعاد شـناخته شده این حماسه همگی صحیح و محترم است، اما بعد شاخص و اصیل همان است که امام (ع) با این جریان حماسی و به شیوه ای کاملاـ نـو، مسـیر انحرافی دین را به جـاده اصـلی برگردانـد، او بـا این حرکت، جلـوی فرسـایش دین را گرفت و مردم را از خلاـفت متوجه امـامت کرد.او نشـان داد قهرمان، کسـی نیست که حتما به ظاهر پیروز شود، بلکه قهرمان کسـی است که بتواند سرنوشت انسان ها را در مسـیر اصـلی قرار دهـد و امام (ع) در این زمینه موفق بودند.آری، به پاس آن همه رشادت ها و غیرت ها می طلبـد که همایشـی عظیم در سال مزین به نام اصـلاح گر غیور؛ یعنی سـید الشـهدا، حسـین بن علی (ع) به پا شود و همه تشـنگان دجله نینوا، با مشک های در دست، نگارنده ابعاد وجودی آن عزیز شوند.امید که حضرتش ناظر سیاه مشق ها و یاری رسانمان باشد و نذوراتمان را قبول فرماید.و زحمت کشان دلسوز همایش

امام حسین (ع) را که به همت مجمع جهانی اهل بیت (ع) برگزار می گردد، توفیق عنایت فرماید.

غیرت در لغت

غَیْرَه: المصـدر، من قولک غار الرجل علی اهله و هی الحمیّه و لاَنَفَه معنای این لغت بر مردم فارسـی زبان، معلوم است و معادل مردانگی فقط ضیق کردن دایره آن است.

غیرت در حدیث

قال رسول الله(ص): ان الغیره من الایمان قال علی(ع): علی قـدر الحمیه تکون الغیره و عنه (ع): قـدر الرجل علی قـدر همته... و عفته علی قـدر غیرته قـال الصـادق(ع): ان الله تبـارک و تعالی غیور یحب کل غیور و لغیرته حرم الفواحش ظاهرها و باطنهاقال علی(ع): ان کنتم لا ـ محـاله متعصـبین فتعبوا لنصـره الحق و اغـاثه الملهوف در مجموع این سـخنان و شبیه آن در واژه غیرت دو رکن مورد توجه قرارگرفته است:۱ این خصـلت جزء ایمان است. و هر مؤمنی لا جرم باید نسبت به مباحث خانواده، وطن، دین و... حساسـیت داشـته باشد که در مقابل خود فروشـی و دین فروشـی جزء رذائل است.۲ غیرت زمانی ارزشـمند است که برای امری ذی قیمت صرف شود.

نقش ائمه در احیای دین

مسـلم است که فطرت بشـر گرایش به عـالم قـدس دارد و هر آنچه مربوط به آن فضاباشـد قبول دارد، امـا در مقابل این فطرت پاک، نفس هم هست، نفسـی که حالات مختلفی دارد.این نفس اگر درست تربیت نشود به سـرعت تغییر عقیده و روش داده و از نقطه عـالی به اسـفل سـقوط می کنـد. در این میـان ابزار و اسـباب و قـوای نفس به یـاری او آمـده و در شـدت بخشـیدن به انحطاطش یاری می کننـد.تلاش اولیای الهی در طول تاریخ بر این بوده است که مسـیر انحرافی انسان را به او گوشـزد کنند، و برای رسانـدن پیـام خود تـا پای جان نیز پیش رفته انـد که در این میان برخی هـدایت شـده و برخی نیز بر لجاجت خود اصـرار ورزیدنـد.حکومتها در ایـن مـاجرا بی تـاثیر نبـوده انـد، جملـه معروف اهـل بیت(ع):«النـاس علی دین ملـوکهم». مؤیـد این معنا است.حکومت ها در بیگاری کشیدن از مردم و

به خدمت در آوردن آنها دریغ نورزیدند و تا آن جا پیش رفتند که یا خود را خدا معرفی نمودند و اگر نتوانستند حداقل سایه خداشدند.در نتیجه اگر مردم سر تعظیم فرود می آوردند زهی سعادت آنان و گر نه اگر بنا را بر سر تابیدن از بیعت می گذاشتند، لاجرم باید سر از تن جدا شده و عبرت دیگران شوند.نقش اولیای الهی همواره در این گیر و داد، دعوت به توحید، عدالت و معاد بوده است و هر جا احساس می کردند سنتی در شرف تکوین است، با اصرار می خواستند که خفتگان، بیدار شوند.اما چرا مردم هدایت شده گاهی مرتد می شوند و به دین گذشته گان خود برمی گردند؟سوالی است که مؤید آن شواهد تاریخی است و ما در اعصار مختلف نمونه های آن را سراغ داریم. قومی با زحمات صالحی دلسوز دست به انجام می رساند، اما پس از چند صباحی به همان آیین سابق باز می گشت، چرا؟!در این نوشتار، قصد داریم به عوامل انحطاط اشاره کنیم. هم چنین نقش، وظیفه و تاکتیک رهبران دینی را روشن سازیم.

عوامل انحطاط

سطحی نگری در عقاید

اگر عقیده در زبان باشد آیه قرآن گواه است که بی فایده است: (قولوا اسلمنا و لمایدخل الایمان فی قلوبکم).ایمان و باور اگر در حال زیاد و ثابت شدن باشد مؤثر است، در غیر این صورت فایده ای ندارد. لازم است مؤمنین هر چند گاه نسبت به باورهای خود کنکاش نموده، تا اگرخدشه ای در آن می بینند قبل از بروز فاجعه آن را ترمیم نمایند. باورهای بی اندیشه به اندک ضربه ای از بین خواهد رفت.چرا مقداد و ابوذر و دیگر صحابه تا پای جان مقاومت کردند، اما عده ای در میانه راه بریدند، سرّش این است

که ایمـان برخی بـا معرفت نیست، در نتیجه زوال پـذیر است.بنـابراین ایمانی مانـدنی است که همراه با شـناخت باشـد.راه های تعمیق بخشیدن به عقاید در سخنان اهل بیت (ع) آمده است و هر کس فراخور کشش و معرفتش لازم است به دستورات آنها عمل نماید.

عدم تشخیص حق از باطل

از آن جا که یکی از تاکتیک های دشمن، هم لباس شدن با نیروهای اسلامی است؛ به همین خاطر ممکن است کسانی که ذره ای اعتقاد به دین و دیانت ندارند در قالب اسلام ظاهر شده و به مقاصد شوم خود برسند، لذا تمییز چهره ها، سخنان، ایده های حق از باطل در پایـداری ایمان و عقیـده مؤمنین مؤثر است.چه بسا با برنامه ای حساب شـده روند فرسایش دین در دستور کار دشـمن قرار گیرد کـه مسـلمانان از آن بی خـبر باشـند؛ بنـابراین تیزبینی و تمییز ایـن مهم بسـیار حسـاس است.نمـونه آن قضـیه «ابوموسـی اشـعری» است که در تاریخ شـیعه ضربه ای مهلك بود و تا به امروز جبران نشده است.شناخت گرگ در هر لباسی، حتی میش از دقیق ترین و مهم ترین مباحث سیاسی است.قالب های باطل به تناسب زمان و مکان تغییر می کند، لذا یك شکل خـاص و معین را نمی توان معرفی کرد. چه بسـا دشـمن از راه دین به دین ضـربه بزنـد و گـاهی هم از بیرون دین، پس دقت و تیزبینی لازم است.

نقطه آغاز در انتخاب

مهم ترین نقطه در هر امری، نقطه آغـاز است. اگر از ابتـدا معلوم نشود که چرا بایـد مؤمن بود، ممکن است سالیـانی بگـذرد و شخصی معتقد به اموری باشد، اما کاربرد آن را نداند. این امر باعث می شود که به مرور زمان و با رشد فرهنگ، علوم، جامعه و روابط و....این شـخص دچار سردرگمی و حیران شود و از همان راه آمده باز گردد. کم نبودند کسانی که بی هدف و یا بی برنامه ملقب به دین شدند، اما هنوز عمرشان به پایان نرسـیده از دایره خارج شدند و بر قلبشان مهر زده شد.انگیزه، اصـلی ترین رکن در ایمان و باور

دینی است و این مهم به مردم تفهیم شـده؛ آیـات قرآن و روایـات مـا مملو از این موضوع است.شایـد معنـای:«ارتـد النـاس بعد النبی...» اشاره به این معنا باشد که بسیاری از اعراب بدون انگیزه و صرف جو زدگی اسلام آورده، اما پس از کمتر از ده سال از هجرت به کلی مرتد شده و بر علیه امام عصر شمشیر کشیدند.ورود بدون انگیزه خروج آنی به بار می آورد. شمر روزگاری از امرای سپاه اسلام بود،ولی در یک تحلیل نادرست شمشیر بر امام عصر خود کشید!از آن جایی که پایبندی به احکام دین، قدری دشوار است. بنابراین در همان روزهای آغازین باید همت را قوی کرد و کم کم به آداب اسلامی خو گرفت و آن را به صورت ملکه درآورد و گرنه جزء کسانی خواهیم شد که مرتد شده و به همه ارزش ها پشت پا می زنند.

عدم شناخت دقیق از جایگاهها

جای گاه هر کدام از این سه در لوح محفوظ معین است و این مهم به مسلمانان ابلاغ شده است.مسلمان واقعی لازم است که این چارت تشکیلاتی را به خوبی ملاحظه کند.مسلمان اگر بین خود و خدا واسطه ای امین قرار ندهد، به زودی به انحراف کشیده خواهد شد.کسانی که به خاطر رسیدن به مقام و نام و شهرت از این موقعیت سود بردند، درتاریخ به وفور دیده می شوند. آنانی که القاب خلیفه الرسول و خلیفه الله را یدک کشیدند و ازبی توجهی مردم عصر خود سودجویی نمودند. وقتی به جای گاهها و اشخاص صلاحیت دار توجه نشود و یا به آنها ظلم شد، انحطاط قهری است.چراغ های هدایت توسط پیامبر با تمام خصوصیات و تعداد آنها بیان شد، اما دریغا که مردم

آن عصـر وقعی نگذاشتند و این جا بود که بنی امیه، بنی عباس و... سر در آوردند.عدم درک و توجه مردم به جای گاه اولیای الهی سـبب شد که دشـمن مسیر انحراف را بگشاید و پس از آن، عاشورا ظهور کرد تا چهره پلید آنان را نشان دهد. عاشورا با هشدارهایش مردم را متوجه اسلام کرد.در یکی از صحنه ها وقتی اشبه الناس به رسول الله مؤذن می شود؛ یعنی مردم! این صدا و سیمای پیـامبر است که می بینیـد. ای انسـان های خفته! بیـدار شویـد و واسـطه بین خود و خـدای خود را نکشـید.امام (ع) با امـامت نمـاز ظهر روز عـاشورا در مقابل دشـمن اثبات کرد که جایگاه امامت غیر از جای گاه خلافت است. خلافت فقط زر و زور و زیور دنیا است، اما امامت برای دنیا و آخرت است و «الاخره خیر و ابقی».امام (ع) با شـعرها و رجزهای حماسی یک بار دیگر اسـلام را معرفی می کند:انا الحسـین ابن علی آلیت ان لا انثنی احمی عیالات ابی امضی علی دین النبی واین همان غیرت دینی است که امام (ع) آن را با زیباترین شـکل به تصویر کشـید.بنابراین جای گاه امام، جای گاهی هدایتی است، نه حکومتی و حکـومت هم درخـدمت هـدایت است. و اگر مردم این را درک می کردنـد، ائمه به وظیفه خـود که همـان هـدایت بـود می رسیدند.

عدم توجه به هشدارهای رهبران دینی

زمانی که جای گاه اولیای الهی به خوبی درک نشود، قطعاً هشـدارهای آنان نیز بی پاسخ می ماند. امام علی (ع) در آن جنگ معروف مرتب هشـدار دادنـد که قرآن بر نیزه حیله است و من قرآن ناطقم.در حکمیت، ابوموسـی را تحمیل کردند. در سـقیفه که بنای اصلی انحراف است باز هم مردم به

تبلیغات سوء بیشتر از پیام ها توجه کردند، در غزوه ای که فرمانده آن امام حسن مجتبی (ع) بود به جای توجه به هشدارها به حرف خود عمل کردند و با شعار رفاه رفاه شانه از مسؤلیت خالی نمودند، همه اینها در یک جمله خلاصه می شود و آن عدم توجه به هشدارهای رهبران دینی است.شهید مطهری در این باره می گوید:«شعارهای اباعبدالله شعار احیای اسلام است. این است که چرا بیت المال مسلمین را یک عده ای به خودشان اختصاص داده اند؟ چرا حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال می کنند؟ چرا مردم را دو دسته کرده اند: مردمی که فقیر فقیر و دردمندند و مردمی که از پرخوری نمی توانند از جایشان بلند شوند».و مردم عصر امام حسین (ع) نه تنها به این هشدارها توجه نکردند، بلکه لبه شمشیر را به طرف امام نشانه گرفتند.

عدم تیزبینی خواص از نیروهای اسلامی

زیرکی و کیاست از خصلت های مومن است. اما این امر به ندرت در میان مسلمانان یافت می شود و مواردی که مسلمانان بیش از یک بار سوراخ مورد حمله و نیش قرار گرفته اند، در تاریخ فراوان است.جنبش های شیعی از صدر اسلام تا امروز بسیار اتفاق افتاده اما مدت عمر آنان بسیار اندک، و این به خاطر عدم تیزبینی خواص در جریان های سیاسی است.آن جا که به هشدارها توجه نمی شود، مسلماً منجر به دقت دشمن در رخنه کردن بین صفوف مسلمین می شود. وقتی اندلس به راحتی از دست می رود، باز هم می بینیم دشمن از همین حربه استفاده می کند و در آن طرف مسلمانان، در خواب و استراحتند.وقتی در تاریخ می خوانیم که عمر به راحتی احکام اسلام را تغییر می دهد و به قول ابوجعفر نقیب:«اگر عمر قبله

مردم را از کعبه به بیت المقدس تغییر داده و یا یکی از نمازهای پنج گانه را حذف می کرد، کسی به او اعتراض نمی کرد، چرا که همت مردم به دست آوردن مال و منال بود».باز هم می بینیم که عبرت گرفته نمی شود.وقتی معاویه مردم را جهت احرام و طواف به بیت المقدس گسیل می دارد و مردم سوال نمی کنند، پس عرفات کجاست و کجا محرم شویم و کجا نماز مقام ابراهیم را بخوانیم و نمونه های دیگر از این قبیل به خاطر آن است که از معرفت و عرفان خبری نیست.این حماقت محض است که جسارت دشمن را دو چندان می کند. مؤمن باید با زیرکی و فراست مراقب باشد و بداند که دشمن از کجا و چگونه قصد حمله دارد. و در واقع آن را حمله بداند، نه توهم حمله.

توجه به زرق و برق دنیا

تجمل گرایی از عواملی است که در انحطاط مسلمانان موثر بوده است. ایجاد فاصله طبقاتی بین مردم از نکاتی است که مورد غفلت مسلمانان و از مواردی است که هشدارهای رهبران دینی مورد بی مهری قرار گرفت.البته این نکته به معنای آن نیست که حاکم اسلامی با فقر مبارزه نکند، او موظف است که رفاه مردم و نیازهای اولیه آنها را تأمین کند. اما در اصل رفاه و رفاه زدگی به معنای غلط آن مساوی با دوری از ارزش ها است. کدام مسلمان مرفه و بی درد را سراغ دارید که پس از سونا و جکوزی و...به دفاع از دین و دیانت اقدام کند. سوق دادن مسلمانان به سمت رفاه زدگی از حربه های دشمن است.در صدر اسلام افرادی به ظاهر اسلام آوردند، ولی به دنیا گرایش داشتند. منزلشان محلی برای

تجمع نیروهای ضد اسلامی شد، زیرا همین افراد مسلمان نما و تسبیح به دست، وجود نیروهای اصیل را مزاحم دنیاطلبی خود می دانستند و تکاثر آنان با روح عدالت خواهی ائمه (ع) منافات داشت.لذا این فاصله ای شد که در بین مسلمانان افتاد، تا این که مترفان مسلمان در مقابل امام عصر خود جبهه گرفتند. کسانی هم که وامدار آنان بودند، به اجبار در صف آنان و در مقابل امام ایستادند و جنگیدند.اشرافیت در کنار نبود تربیت دینی جامعه را تا به آن جا بالا برد که شهر کوفه ناظر زنای «مغیره بن شعبه» و مشروب خواری «ولید بن عقبه» دو فرماندار این شهر شد.ثروت صحابه در دوره عثمان فراوان بود. عثمان با ترتیب دادن زندگی اشرافی الگوی مناسبی برای رواج اشرافیت در میان مردم شد. این اشرافیت بیشتر در مهاجران بود، زیرا بر پایه سیاست عمر در ترتیب دیوان، مهاجران بر انصار برتری داشتند. عثمان سیاست برتری قریش بر غیر قریش را دنبال کرد.معاویه در شام وضعیت بهتری نداشت و حتی خود خلیفه برای آن که آیه «کنز» شامل حال او نشود، بر آن بود تا «واو» اول آیه را برداشته تا آیه شامل اهل کتاب شود.آیا فرمایش امام (ع) که فرمودند: برای اصلاح دین جدم می روم، انگیزه امام را معلوم نمی کند که ایشان غیرت دینی داشتند؟

تخریب گام به گام ارزش ها

دشمن برای نابودی دین و دیانت یک باره حمله نمی کند، زیرا اثر و ثمره آن کم است. اما با سیاست گام به گام طی مدت حساب شده این کار را انجام می دهد. نمونه های تاریخی آن فراوان است. یکی از این قبیل کارها، نماز«تراویح» است که از ابتکارهای عمر به

حساب می آید.این نماز را در سی سال خانه نشینی علی (ع) به خورد مردم دادند، وقتی امام (ع) فرمودند: بدعت است. گفتند: سی سال است که می خوانیم، وا عمر وا عمر..ریشه همه این انحراف ها در اقدام صحابه است. آنها مسیر را منحرف و آلوده کردند. ابوبکر با تعیین جانشین برای خود، زمینه موروثی شدن خلافت را به جای امامت فراهم کرد. در مدتی اندك «ابوشحمه» فرزند عمر عمل زشتی انجام می دهد و خود عمر به او حدی جاری می کند. عاصم فرزند دیگرش را عثمان حد جاری می کند.از این قبیل قضایا در تاریخ خلفا فراوان است.وقتی ولید در محراب عبادت، شراب را قی می کند و کسی اعتراض نمی کند، عمق فاجعه معلوم می شود. دیگر نباید سوال کرد چرا عمر سعد برای تقاص عقب ماندگی اش در کربلا اولین تیر را رها کرد. در کمتر از نیم قرن، زمام امور به کلی دست نااهلان افتاد.سیاست های دشمن بر کرسی نشست و ارزش های اسلامی یکی یکی به سخریه گرفته شد و مردم به خواب خرگوشی فرو رفتند. دین ملعبه دست ها قرار گرفت. محراب عبادت آلوده شد، یاران واقعی دین حجر بن عدی، ابوذر غفاری، رشید هجری، عمر بن حمق، حضر مبین و... به قتل رسیدند.ظلم و جفا بالا گرفت، حمیت اسلامی محو شد، حمیت جاهلیت برگردانده شد،مسئله نژاد پرستی دوباره به دست بعضی از خلفا زنده شد و نژاد عرب، نژاد برتر و خاص معرفی شد.تبعیض های گوناگون آشکار گشت و بیت المال به عده ای پرداخت شد و امتیازهای طبقاتی مجدداً احیا گردید.پست ها و مقام ها در میان اقوام و بستگان بعضی از خلفا تقسیم شد. معاویه به حکومت رسید. قیافه خشن

ضد اسلامی آشکار شد.سخنرانی ابوسفیان:(هان ای بنی امیه! بکوشید و گوی زمامداری را از میدان بربایید(و به یک دیگر پاس دهید) سوگند به آنچه من به آن سوگند یاد می کنم بهشت و دوزخی در کار نیست) در دستور العمل قرار گرفت.یزید در عصر خود بی حیایی را به اوج رساند و پیام فرستاد، از حسین برای من بیعت بگیرید. و امام با یک «نه» خط بطلان بر همه نوشته های آنان زد. او قیامی به پا کرد که غیرت و حمیت اسلامی را به عرصه کشاند. او نشان داد که باید غیرت دینی داشت و می توان با یک حرکت اصلاحی گذشته را جبران کرد. البته به شرطی که گوش به فرمان امام بود.

اولین حرکت انقلابی

«مثلی لا ـ یبایع مثله»جای گاه امامت فراتر از آن است که امام (ع) با غاصبی شراب خوار و سگ باز و عیاش و متجاهر به فسق بیعت کند. ایشان فرمودند: مخفیانه بیعت نمی کنم، در جلسه بعد فرمودند: مثل من با او بیعت نخواهد کرد؛ یعنی همه انسان ها در تمام عالم بدانند؛ اگر جایگاه کسی الهی است، نباید با دون صفتان رو به مزاج بر سر میز مذاکره بنشیند.این یک اصل کلی از اصول اسلام است، امام حسین (ع):«و علی السلام السلام اذقد بلیت الا ـمه براع مثل یزید».و در تبیین جای گاه امامت فرمودند: «و لعمری ما الامام الا العامل بالکتاب، القائم بالقسط والدائن بدین الحق».امام (ع) در جای دیگر می فرماید: «الا ان الدعی بن الدعی قد رکز بین الاثنین بین السله و الذله و هیهات منا الذله»الموت اولی من رکوب العار و العار اولی من دخول النارخط دهی، تأسیس اصل و تعیین چارچوب

دینی – سیاسی از وظایف اولیای الهی است و این یک اصل مسلم در معارف دینی است.

زیربنای قیام امام حسین

امام با این شعار که برای احیای دین جدم حرکت می کنم، به طور آشکار زیربنای قیام خود را بیان کردند.حرکت های سیاسی همیشه با شعارهایی که جوشیده از بطن همان حرکت است،همراه است.شعارها، سایرین را متوجه جهت حرکت می کند. در قصه عاشورا، حرکت امام (ع) با عناوینی چون «احیای دین و امر به معروف و نهی از منکر» همراه است. این شعار می رساند که انگیزه امام از قیام جهات دینی است.آنچه به عقیده امام مورد هجمه قرار گرفته، دین است و دیگر مماشات فایده ندارد.در این قسمت به پاره ای از قضایا اشاره می کنیم، تا معلوم گردد حرکت امام یک دفاع کاملاً دینی است اصلاً قضایایی، چون قومیت، نژاد و یا صرف رسیدن به حکومت نبوده و اگر حکومت را نیز در نظر داشته اند، برای دین بوده است. امام در نامه ای به معاویه می نویسد:«انی لا ـ اعلم فتنه اعظم علی هذه الامه من ولایتک علیها ولا اعظم نظرا لنفسی و لدینی و لامه محمد(ص) افضل من ان اجاهدک فان فعلت فانه قربه الی الله و ان ترکت فانی استغفر الله لدینی».خطر حکومت غیر دینی بر امت اسلام بالا ـ ترین خطرها و فتنه هاست و امام باقیام عاشورا در صدد بیان همین مطلب بودند، زیرا واژه «خلیفه الرسول» کم کم به «خلیفه الله» رسیده بود و در اصل بی شرمی به حدی بود که کاری به اسلام نداشتند، زیرا در تاریخ می خوانیم که پس از شهادت امام (ع) همین خلیفه ها به مکه حمله می کنند و آثار و شعائر اسلامی را نابود می کنند.عمق فاجعه حکومت فاسق

آن قدر بر مردم خفته مشهود نبود و مردم اعم از خواص و غیره حساسیت نشان نمی دادند، به همین خاطر لازم بود امام (ع) به گونه ای وارد صحنه شوند که هم مردم آن عصر از خواب بیدار شوند و هم اهمیت آن در تاریخ ثبت شود.نقش امام حسین (ع) در احیای دین آن قدر مهم و سنگین است و پشت دشمن را خرد کرد که حتی تا سالیانی بعد بارگاه آن حضرت برای دشمنان خطر آفرین بود و تخریب مقبره حضرت چندین بار اتفاق افتاده است.یحیی بن مغیره روایت کرده در نزد «جریر ابن عبدالحمید» بودم که مردی از اهل عراق آمد، جریر از او پرسید: چه خبر داری؟ گفت: هارون فرستاد که قبر حضرت امام حسین (ع) را هموار کنند و درخت سدری را که نزدیک قبر آن حضرت بود قطع کنند.چون جریر این خبر را شنید، دست به آسمان برداشت و گفت: الله اکبر، امروز فهمیدم معنای حدیث رسول خدا(ص) که آن حضرت سه مرتبه فرمود: خدا لعنت کند،قطع کننده درخت سدر را، امروز معلوم شد که غرض آن حضرت این ملعون است که درخت را قطع کرده است.امام با حرکت سریع از مکه به طرف کربلا عنوان می کنند که من به پاس آن که بی حرمتی به مکه نشود و حریم آن شکسته نشود، اعمال حج را رها کرده و خارج می شوم.کلام صراحت در این دارد که مکه محل امن است و این مأمن نباید مورد هتک قرار گیرد و امام می دانست که دشمن قصد دارد ایشان را در مکه به قتل برساند.زمانی که امام وارد منطقه کوفه شدند، لشکر «حر» به امام

رسـید، همه آنها تشـنه بودند امام دسـتور دادند مشک های آب را به سـربازان و اسـبان تشنه بدهند، با این که می دانستند اینها لشـکر دشـمن است. این عمـل یک کار شـرافت منـدانه و مطابق با مبانی دینی است.نکته دیگر این که امام به خواست مردم از مـدینه حرکت کردند، شاید اگر این دعوت ها نبود، برخی امروز می گفتند که حرکت امام نه مشـروعیت داشت و نه مقبولیت و چرا امامی که پایگاه مردمی نـدارد، اقـدام به تشـکیل حکومت می کند؟گرچه می دانیم اگر همین تقاضاهای مردم هم نبود، بـاز هـم بر امـام واجب بـود که جلـوی انحراف دین را بگیرد.در صـحنه ای دیگر وقـتی امـام محافظـان آب را کنـار می زنـد و لشـکریان امام به آب می رسند، عده ای خام می گویند حال که به آب دسترسی پیدا کرده ایم، خوب است که آن را بر لشکر دشـمن قطع کنیم و نگذاریم که دشمن به آب دست یابد. اما از آن جا که این عمل اولاً: ضد ارزش است و ثانیاً: خلاف مبانی الهی است، امـام (ع) تقاضـای چنین اقـدامی رارد کردنـد.در صـحنه ای دیگر، حر همراه امـام در حرکت است، زهیر بن قین از امـام می خواهـد که به خـاطر کمی نیروهـای دشـمن به آنان حمله شود، اما حضـرت در پاسـخ فرمودنـد:«انی اکره ان ابـداءهم بالقتال».این نیز یکی از ارزش های انسانی و اسلامی است که اسلام همه جا موافق جنگ نیست و لازم است به همه کسانی که اسـلام را خشـونت گرا معرفی کرده انـد برسـانیم کـه در بحرانی تریـن صـحنه هـا ایـن مسـلمانان هسـتند که خویشـتن دارترین افرادند.موید دیگر ما استدلال نماینده امام (ع) در کوفه؛ یعنی مسلم بن عقیل است که به او پیشنهاد می شود در منزل هایی

پشت پرده پنهان شود و عبیدالله را به قتل برساند. او می گوید به یاد حدیثی از پیامبر(ص) افتادم که «فتک و قتل ناگهانی» را نهی فرموده لذا از این کار، منصرف شدم. و از این عمل سرباز می زند.بنابراین غیرت دینی به معنای دفاع از دین از طریق خود دین است و هدف وسیله را توجیه نمی کند. و بارها در ماجرای کربلا مسائلی پیش آمد که امام فقط از راه پیاده کردن احکام به حل مسائل پرداختند.رعایت مسائل شرعی در قیام کربلا بسیار فراوان است. اولین شهید بنی هاشم در کربلا علی اکبر است و آخرین کشته، خود سیدالشهدا، این چه رمزی دارد؟«فاعتبروا یا اولی الابصار!».در پایان به سخنان ولی عصر (ع) درباره قیام امام حسین (ع) توجه می کنیم.حضرت می فرماید:اشهد انک قد اقمت الصلوه و آتیت الزکوه و امر بالمعروف و نهیت عن المنکر و العدوان...و ادفعت الفتن و دعوت الی الرشاد و اوضحت سبل السداد و جاهدت فی الله حق الجهاد... و للطغیان قامعا و للطغاه مقارعا و للامه ناصحا... و للاسلام و المسلمین راحما و للحق ناصرا و عند البلاء صابرا و للدین کالئا و عن حوزته مرامیا، تحوط الهدی و تنصره و تبسط العدل و تنشره و تنصر الدین و تظهره و تکف العابث و تزجره و تأخذ للدنی من الشریف و تساوی فی الحکم بین القوی و الضعیف؛ گواهی می دهم که تو نماز را به پاداشتی و زکات دادی و به نیکی فرمان و از زشتی و تجاوز باز داشتی....آتش فتنه ها را خاموش ساختی و مردم را به سوی هدایت و کمال فرا خواندی و راه های استوار حقیقت را آشکار کردی و در

راه خـدا، به حق، جهاد نمودی... و ریشه کن کننـده سـتم و گردن کشـی و درهم کوبنـده تجاوزگران و سـرکشان و خیر خواه امت پیامبر بودی... و رحمت آورنده بر اسلام و مسلمانان و یاری دهنده حق بودی در هنگام سختی و بلا، شکیبا و حفظ کننده دین و مدافع حریم آن بودی (طریق) هدایت را نگهبانی کرده و یاریش می دادی.عدالت را نشـر داده و گسترش می بخشیدی. دیـن را یـاری داده و آشـکار می کردی.کسـانی کـه دین را به بـازیچه گرفته بودنـد، منـع کرده و بازشـان می داشـتی. حقـوق ضعیفان را از اشراف می گرفتی و در قضاوت توانا و ناتوان را یکسان می شمردی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹